«گامی در بازخوانی کارنامه ساواک و متولیان آن» در گفت‌وشنود با دکتر محمود بازرگانی

شاه اخبار درجه اول را از بولتن‌های «ثابتی» دریافت می‌کرد!

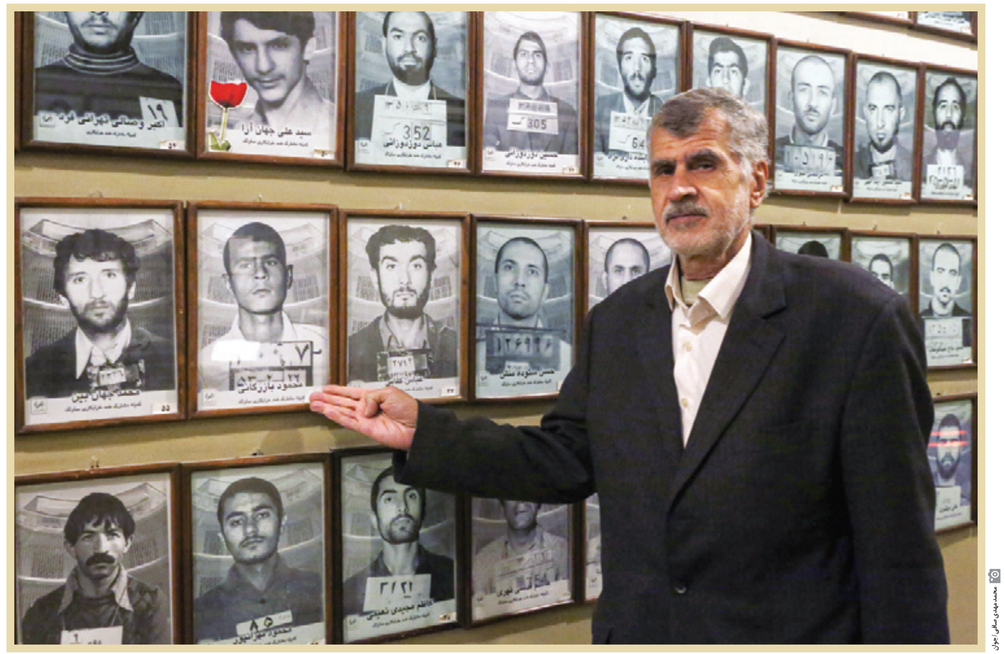

عکس: محمدمهدی عباسی چول

اداره سوم یکی از مخوف‌ترین معاونت‌های ساواک بود که پرویز ثابتی که اصالتاً سمنانی، یهائی و تئوریسین بود، مسئولیت آن را بر عهده داشت. کار این اداره آن بود که مأموران نفوذی خود را به مجامع، محافل، مراکز، دانشگاه‌ها، انجمن‌های فرهنگی، هیئات و مدارس به طور کلی هر آنجایی که بیش از دو نفر جمع می‌شدند و احتمال می‌دادند که کوروسوی مخالفتی وجود داشته باشد، بفرستد. در اینگونه مجالس، نفوذی ساواک حتماً حضور داشت

اداره کل چهارم: حفاظت ساواک و کنترل مأموران (که مبادا نفوذی‌ها وارد این سازمان بشوند).
اداره پنجم: امور فنی و تکنیکی ساواک (شامل کسب خبر، جاسوسی، آنتن‌هایی که در مرزها مستقر بودند و از این قبیل).
اداره کل ششم: حسابداری، کارپردازی، بهداری و موتوری و تأمین بودجه برای فعالیت در خارج از کشور.
اداره کل هفتم: جمع‌آوری اطلاعات داخلی و خارجی و تجزیه و تحلیل آنها.
اداره کل هشتم: کنترل اتباع خارجی و سفارتخانه‌ها در ایران.
اداره کل نهم: بیوگرافی افراد و امور گذرنامه.
در مجموع می‌توان گفت که از اداره چهارم تا نهم، تشریفاتی بودند و تمام اهداف شکل‌گیری ساواک، مربوط می‌شد به اداره سوم، یعنی اداره متولی امنیت داخلی. اداره سوم یکی از مخوف‌ترین معاونت‌ها بود که پرویز ثابتی که اصالتاً سمنانی، یهائی و به معنای واقعی تئوریسین بود، مسئولیت آن را بر عهده داشت. کار این اداره این بود که مأموران نفوذی خود را بفرستند در مجامع، محافل، مراکز، دانشگاه‌ها، انجمن‌های فرهنگی، هیئات، NGOهای مردمی و مدارس به طور کلی هر آنجایی که بیش از دو نفر جمع می‌شدند و احتمال می‌دادند که کوروسوی مخالفتی وجود داشته باشد. در اینگونه مجالس، نفوذی ساواک حتماً حضور داشت.

اگر ساواک از طریق اداره سوم و مأموران خود، به این سطح از نفوذ در جامعه دست پیدا کرده بود، بر چه مبنایی و چرا کمیته مشترک ضدخرابکاری شکل گرفت؟

گسترش رواقرزون و تدریجی مخالفان، به رغم دهشت‌افرینی و اقدامات جنایتکارانه، غیرقانونی و تبهکارانه ساواک و همچنین برخی وقایع مهم در دهه ۴۰، مهمترین قیام ۱۵ خرداد ۴۲ توسط جریان روحانیت و در واقع به عنوان دومین شهر مذهبی ایران و دومین حوزه علمیه دنیا، علاقه اتیوپیائی در سال ۱۳۴۶ با محوریت دانشجویان، پیدایش جنبش سیاهکل در جنگل‌های شمال در سال ۱۳۴۹ با هدف گسترش جنگ چریکی از روستا به شهرها و برگرفته از انقلاب چین توسط مائو، جنالشـــن مصحد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان از نهضت آزادی و شکل‌گیری مطالعات دورزمانی که بعدها حوزهی آن مجاهدین خلق شد، زیرمجموعه شدن فعالیت‌های حزب توده و گروه‌های چپ، شکل‌گیری گروه‌های مؤتلفه اسلامی با نظر مستقیم امام خمینی، ساواک، حکومت و حامیان خارجی آن را به این نتیجه می‌رساند که این سازمان در جهت قدرت نفوذ به مهار تحرکات را ندانسته است، لذا پس از بررسی‌های کارشناسانه مهم اطلاعاتی سیا و موساد، اشکال و خلأ را پیدا می‌کنند. تا این زمان (قبل از سال ۱۳۵۰)، شهربانی، ساواک، اداره ضداطلاعات ارتش و سایر مراکز اطلاعاتی رژیم پهلوی، در یک قوای احتمال ترش و کار ۲، وظیفه داشتند و بر عهده داشتند و هر یک به تنهایی اهداف اطلاعاتی و امنیتی خود را دنبال می‌کردند و چون به ارای هر دسنگیری به این مأموران پاداش داده می‌شد، به یک‌بیگر اطلاع نمی‌دادند و به همین دلیل دسیله ارتباطی بین مبارزان هم به طور کامل کشف نمی‌شد. همچنین این اقدامات جداگانه در بسیاری موارد، سبب ایجاد ناهماهنگی و حتی اصطکاک میان سازمان‌ها می‌گشت که علل عمده آن در نتیجه ضریب موفقیت عملکرد این مراکز از کاهش می‌داد. بنا بر آنچه گفته شد، در یکی از پیچیده‌ترین اقدامات در اواخر سال ۱۳۴۹ و اوایل سال ۱۳۵۰، کمیته مشترک ضدخرابکاری را به عنوان ابزاری برای تشدید اختناق سیاسی در کشور، تأسیس کردند. به این ترتیب هم نقاط ضعف ساواک مشخص شد و هم نقاط پیشروی به مرور افزایش پیدا کرد. بر این اساس کمیته، محور و رأس بر خودرد با مخالفان شد و در هر جای ایران، هر مخالفی را می‌گرفتند، باید به کمیته اعلام می‌دادند و هرگونه سند، مدرک و گزارشی جمع می‌شد. ولو از دورترین نقطه کشور تا پایتخت، باید در اینجا مطلع مرکزی مسلط بر بازجویی‌ها هم بود و از سال ۱۳۵۰ به بعد، مخالفان مهم را برای بازجویی به آن منتقل می‌کردند، لذا کمیته، محل استقرار مجرب‌ترین و خشن‌ترین شکنجه‌گران رژیم شاه بود

کمیته مشترک ضدخرابکاری، محور برخورد با مخالفان بود و در هر جای ایران، هر مخالفی را می‌گرفتند، باید به کمیته اعلام می‌دادند و هرگونه سند، مدرک و گزارشی جمع می‌شد، ولو از دورترین نقطه کشور تا پایتخت، باید در آنجا مطلع می‌شدند. کمیته مرکزی مسلط بر بازجویی‌ها هم بود و از سال ۱۳۵۰ به بعد، مخالفان مهم را برای بازجویی به آن منتقل می‌کردند، لذا کمیته، محل استقرار مجرب‌ترین و خشن‌ترین شکنجه‌گران رژیم شاه بود

الهام دانایی‌سرشت

هر ساله در دو ماه پایانی سال، روزهای تأسیس و انحلال ساواک و اعلام امنیت کشور موسوم به ساواک، به عنوان مؤثرترین ابزار رژیم شاه برای ایجاد اختناق در کشور، در جهت محافظت از رژیم پهلوی و تأمین منافع بیگانگان تداعی می‌شود؛ سازمانی که تحت حمایت شبکه‌های اطلاعاتی امریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی با یک رشته اعمال خشونت‌آمیز و وحشیانه و ایجاد مزاحمت‌هایی بی‌بود و نابود در تمام شئون زندگی مردم، از سازمان‌های دولتی و دانشگاه‌ها گرفته تا مؤسسات خصوصی، کارخانه‌ها و احزاب سیاسی و سازمان‌های دانشجویی در خارج از کشور وظیفه داشت و در همه جا حاضر و ناظر بود؛ به منظور شناخت بیشتر ساواک - که یکی از پیچیده‌ترین سازمان‌های مخوف اطلاعاتی خاورمیانه بلکه دنیا محسوب می‌شد - سراغ دکتر محمود بازرگانی، استاد و مدرس دانشگاه و پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی رفتیم. سابقه‌ی وی را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین دلایل شکل‌گیری انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه دانست؛ به طوری که وی که لحاظ سنی، کوچک‌ترین زندانی سیاسی رژیم پهلوی، بود، در واکاوی آنها مختلف عملکرد این سازمان، به سه موضوع اصلی پرداخت: الف) زمینه‌های شکل‌گیری سازمان به لحاظ ساختار عملی در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵، ب) روند و نحوه شکل‌گیری ساواک و جایگاه آن در هرم قدرت پهلوی دوم، ج) سرگوبگری‌های بی‌حاصل و انحلال ساواک که در این مجال تفصیل و تشریح این محورها ارائه شده است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی را مفید و مقبول آید.

در دوره رضاخان و در راستای تحکیم سلطنت او، دیکتاتوری بلامنازع برقرار بود که با ابزارهای مختلف، سیاست‌های استبدادی و خشن خود را پیاده می‌کرد، اما چه شد که پس از سقوط پهلوی اول و در دوره پهلوی دوم، ایده تأسیس ساواک مطرح شد؟ چه فضای سیاسی-اجتماعی‌ای بر جامعه حاکم بود که نهاد ساواک و ساختارهای آن در سال ۱۳۳۵ شکل گرفت؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. سیاست‌های سرکوبگرانه و دمدمشانه دوران دیکتاتوری رضاخانه سبب شده بود وی که تنها فاقد مقبولیت و پایگاه مردمی بلکه یک چهره منفور اجتماعی باشد، لذا بیگانگان - بالاخص انگلیسی‌ها - که به خوبی می‌دانستند در اذهان عمومی، رضاخان و جنایت‌های وی منتسب به آنهاست و برای تداوم استیلای خود بر کشور، نیازمند یک ایران آرام و کاملاً در اختیار هستند، تلاش کردند پس از شهریور ۱۳۲۰ و فروپاشی ۱۶ سال زمامداری و سلطنت ظالمانه رضاشاه، پسر وی را که از یک سو خالی فاقد اراده و تیزبینی سیاسی، عیاش و نوکرمآب بود و از سوی دیگر از نظر قانون اساسی وقت هم ولیعهد محسوب می‌شد، بر کرسی سلطنت بنشانند و برای آنکه این امر را پذیرش مردمی همراه باشد، یک فضای نسبتاً باز سیاسی را ایجاد کردند. حالی که تغییر در فضای سیاسی ایران، ظاهری و موقتی بود و پس از مدتی همان سیاست‌ها و استبداد، از طریق محمدرضا تداوم پیدا کرد. علاوه بر این تنها رضاخان تغییر کرد و کاخ حکومتی که قبلاً بنا بر از عوامل انگلیس و امریکا تشکیل شده بود، در کنار شاه جدید به کار خود ادامه دادند و همچنان پشت پرده دستان پلید استعمار این دو کشور، حکومت‌گردان بود. در هر صورت به واسطه این فضای باز سیاسی، فعالیت احزاب آزاد و شکل‌گیری احزاب مخالف ممکن شد، فعالیت روحانیت - که در دوره رضاخان به دلیل خفقان حزب حاکم، در تنگنا بود- نسبتاً آزاد شد، به آیت‌الله کاشانی و جمعیت فدائیان اسلام اجازه فعالیت داده شد، در دانشگاه‌ها به اصطلاح امروزی‌ها کرسی‌های آزاداندیشی و به تعبیر آن زمان مناظرات و گفت‌وگوهای طرفینی ایجاد شد، بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات اجازه فعالیت سیاسی (انتشار افکار و نظرات مخالفان) پیدا کردند. برخی زندانیان آزاد شدند و شد به تدریج این فضا باعث شد منتقدان و مخالفانی که معتقد به مبارزه رادیکال و قهرآمیز داشته باشند، اقداماتی را انجام دهند. در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و بازرود افتادن دانشگاه تهران به شاه تیراندازی می‌شود. این تیراندازی را هم به حزب توده و هم به نیروهای اسلامی منتسب می‌کنند! اما آن در هرم قدرت پهلوی دوم، ج) سرگوبگری‌های بی‌حاصل و انحلال ساواک که در این مجال تفصیل و تشریح این محورها ارائه شده است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی را مفید و مقبول آید.

الهام دانایی‌سرشت

هر ساله در دو ماه پایانی سال، روزهای تأسیس و انحلال ساواک و اعلام امنیت کشور موسوم به ساواک، به عنوان مؤثرترین ابزار رژیم شاه برای ایجاد اختناق در کشور، در جهت محافظت از رژیم پهلوی و تأمین منافع بیگانگان تداعی می‌شود؛ سازمانی که تحت حمایت شبکه‌های اطلاعاتی امریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی با یک رشته اعمال خشونت‌آمیز و وحشیانه و ایجاد مزاحمت‌هایی بی‌بود و نابود در تمام شئون زندگی مردم، از سازمان‌های دولتی و دانشگاه‌ها گرفته تا مؤسسات خصوصی، کارخانه‌ها و احزاب سیاسی و سازمان‌های دانشجویی در خارج از کشور وظیفه داشت و در همه جا حاضر و ناظر بود؛ به منظور شناخت بیشتر ساواک - که یکی از پیچیده‌ترین سازمان‌های مخوف اطلاعاتی خاورمیانه بلکه دنیا محسوب می‌شد - سراغ دکتر محمود بازرگانی، استاد و مدرس دانشگاه و پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی رفتیم. سابقه‌ی وی را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین دلایل شکل‌گیری انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه دانست؛ به طوری که وی که لحاظ سنی، کوچک‌ترین زندانی سیاسی رژیم پهلوی، بود، در واکاوی آنها مختلف عملکرد این سازمان، به سه موضوع اصلی پرداخت: الف) زمینه‌های شکل‌گیری سازمان به لحاظ ساختار عملی در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۵، ب) روند و نحوه شکل‌گیری ساواک و جایگاه آن در هرم قدرت پهلوی دوم، ج) سرگوبگری‌های بی‌حاصل و انحلال ساواک که در این مجال تفصیل و تشریح این محورها ارائه شده است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی را مفید و مقبول آید.

اگر ساواک از طریق اداره سوم و مأموران خود، به این سطح از نفوذ در جامعه دست پیدا کرده بود، بر چه مبنایی و چرا کمیته مشترک ضدخرابکاری شکل گرفت؟

۱) غیرقانونی است، اینجا ساواک می‌تواند ورود کند. چه کسی تشخیص می‌دهد قانونی یا غیرقانونی است؟ خود سازمان ساواک!
۲) بازرسی چیست کشف تحقیقات، یعنی دست این سیاست‌ایجنت سرویس انگلستان و موساد اسرائیل بود. به عبارتی بدون وجود یک سازمان اطلاعاتی- امنیتی که بتواند مخالف‌ها را در نطفه شناسایی و سرکوب کند، اهداف نامیمون این کشورها در درجه بعد دربار مخفی نمی‌شد. به این نکته هم باید توجه داشت که رئیس این سازمان، معاون نخست‌وزیر است! یعنی همه چیز قرار است علنی باشد و چیزی اشاره‌ای به پشت پرده و مخفی‌کاری در اینجا نمی‌شود، اما فرمان نیروی این سازمان باید مستقیم و زیر نظر اعلیحضرت باشد، اعلیحضرتی که خود توسط امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها اداره می‌شد!

در عمل وظایف ساواک را به چه ترتیب تقسیم و احصا می‌کنید؟

۱) تحصیل و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور. این تحصیل و جمع‌آوری اطلاعات، باید مستمر دارد، یعنی اینکه ما وقتی که به طور علنی نمی‌توانیم تمام اخبار و اطلاعات را جمع کنیم، باید از مخفی‌کاری استفاده کنیم و به این ترتیب وجاهت ساواک در مخفی‌کاری‌هایش تعریف می‌شود!
۲) مقابله با عمال و گروه‌های جاسوسی، عملیات عناصری که بر ضداستقلال و تمامیت ارضی کشور یا به نفع اجنبی مبادرت می‌ورزند. منظورشان جریانات چپ‌گرا و اتحاد شوروی و کشورهای کمونیستی بود، ولی هرگز کشورهای کاپیتالیستی مدنظرشان نبوده است.
۳) جلوگیری از فعالیت جمعیت‌هایی که تشکیل و اداره کردن آن، غیرقانونی اعلام شده باشد و باشد، یعنی هر جایی که آمدند یک پرچمب زدند، گفتند شما فعالیت‌تان غیرقانونی است، اینجا ساواک می‌تواند ورود کند. چه کسی تشخیص می‌دهد قانونی یا غیرقانونی است؟ خود سازمان ساواک!
۴) بازرسی چیست کشف تحقیقات، یعنی دست این سیاست‌ایجنت سرویس انگلستان و موساد اسرائیل بود. به عبارتی بدون وجود یک سازمان اطلاعاتی- امنیتی که بتواند مخالف‌ها را در نطفه شناسایی و سرکوب کند، اهداف نامیمون این کشورها در درجه بعد دربار مخفی نمی‌شد. به این نکته هم باید توجه داشت که رئیس این سازمان، معاون نخست‌وزیر است! یعنی همه چیز قرار است علنی باشد و چیزی اشاره‌ای به پشت پرده و مخفی‌کاری در اینجا نمی‌شود، اما فرمان نیروی این سازمان باید مستقیم و زیر نظر اعلیحضرت باشد، اعلیحضرتی که خود توسط امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و اسرائیلی‌ها اداره می‌شد!

در عمل وظایف ساواک را به چه ترتیب تقسیم و احصا می‌کنید؟

۱) تحصیل و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور. این تحصیل و جمع‌آوری اطلاعات، باید مستمر دارد، یعنی اینکه ما وقتی که به طور علنی نمی‌توانیم تمام اخبار و اطلاعات را جمع کنیم، باید از مخفی‌کاری استفاده کنیم و به این ترتیب وجاهت ساواک در مخفی‌کاری‌هایش تعریف می‌شود!
۲) مقابله با عمال و گروه‌های جاسوسی، عملیات عناصری که بر ضداستقلال و تمامیت ارضی کشور یا به نفع اجنبی مبادرت می‌ورزند. منظورشان جریانات چپ‌گرا و اتحاد شوروی و کشورهای کمونیستی بود، ولی هرگز کشورهای کاپیتالیستی مدنظرشان نبوده است.
۳) جلوگیری از فعالیت جمعیت‌هایی که تشکیل و اداره کردن آن، غیرقانونی اعلام شده باشد و باشد، یعنی هر جایی که آمدند یک پرچمب زدند، گفتند شما فعالیت‌تان

تخصص بازجویی از روحانیت، انحصاراً در اختیار منوچهری بود. متخصص بازجویی از خانم‌ها، آرش بود. متخصص بازجویی از گروه‌های مسلح، تهرانی است. متخصص بازجویی از دانش‌آموزان، پرویزی بود. نمونه‌های اینها در شهرهای دیگر هم بوده، اما مرکز کمیته مشترک ضدخرابکاری در تهران بوده است. اگر بازجویی می‌توانست با حداقل زمان و با شدت شکنجه، خوب بازجویی و کسب اطلاعات کند، به سرباز او تقاق تشویق می‌شد

«نظر به چهارشنبه» نظر به رئیس سازمان اطلاعات و امنیت داخلی منطقه بود که این افراد توسط پرویز ثابتی تعیین می‌شدند. در حقیقت هیچ گونه انتصاب و انتخابی نبود که ثابتی در آن نظر و دخلی نداشته باشد. قدرت ثابتی در ساواک آنقدر زیاد بود که شاه اخبار ناب و درجه اول را از طریق بولتن‌های تنظیم‌شده توسط او دریافت می‌کرد، یعنی کسی مثل نعمت‌الله نصیری با همه آن جایگاهی که داشت، یک شخصیت فرمایشی و تشریفاتی محسوب می‌شد!

پرونده عملکرد مخبرین سالی سه بار بررسی می‌شد که این مأمور در این چهار ماه چه فعالیت‌هایی داشته است. پس از آن اگر یک نفر دو سال مخبر بود، بررسی می‌کردند که چه میزان اخبار واصله او مفید بوده است و آیا زمینه و استعداد رشد در خشونت‌گری را دارد و می‌تواند برای اعلیحضرت خوب شکنجه، فحاشی و هتک حرمت کند، یا خیر؟ سپس برای ارتقا، دوره آموزش‌های لازم را می‌دیدند. به طور مثال آرش که ابتدا مخبر خیابانی بود، بعدها بازجو شد

ادامه می‌داد.
ثانیاً، هرچه تلاش کردند خاندان پهلوی را پاک، مذهبی و مطهر جلوه بدهند، موفق نشدند. چون تناقضات در رفتار و ذات این خاندان زیاد بود و مردم باور نمی‌کردند، لذا این تلاش‌ها در جهت تطهیر فساد دربار، به طور عام و فساد خاندان پهلوی به طور خاص با شکست مواجه شد.
ثالثاً: مردم، باورهای دینی آنها و مرجعیت را نشناختند. مردمی که اعتقادات‌شان، مذهبی و برگرفته از فتاوی مراجع بود. سلسله جنبان اعتراضات، حضرت امام خمینی بود. در خانه‌هایی که کمترین مخالفتی با خاندان پهلوی داشتند، غیرممکن بود رساله آیت‌الله خمینی را پیدا نکنید! رساله امام یک تفاوتی با رساله‌های سایر مراجع داشت. رساله‌های دیگر شامل احکام اولیه بود، اما رساله امام علاوه بر آنها، احکام ثانویه (عمدتاً پیرامون انفال، اموال عمومی، جهاد، اخلاقیات، امر به معروف و نهی از منکر و شاخص‌های آدم فاسد و صالح) را هم داشت. امام را هم نشناختند. امام کسی بود که خودش جلودار مبارزان و آماده شهادت بود، اما رژیم جرئت نداشت تا ایشان را به شهادت برساند. ایشان خودش از نجف با مردم و از طریق اعلامیه‌ها حرف می‌زد. نهضت امام و صدای عدالتخواهی ایشان، محدود به داخل مرزهای کشور نبود، ایشان شخصیتی کاریزماتیک بود که خطابش صرفاً متوجه ایران و ایرانیان نبود. زندانیان سیاسی و مبارزان، به هیچ وجه احتمال وقوع انقلاب را نمی‌دادند، تنها کسی که احتمال می‌داد، شخص امام بود. امامی که بعد از مقاله رشیدی مطلق - که همه درگیر توهین‌ها و جسارت‌هایی بودند که به شخص ایشان شده بود- گفت: شاه به رفتنش کمک کرد! امامی که فرزندش را شهید کردند و گفت: از الطاف خفیه الهی است و در حدی متأثر شد که برای سایر شهدای نهضت اندوهگین می‌شد، اینها خصوصیاتی است که خداوند آثار آن را برای همه آشکار می‌کند. اینها موضوعاتی است که در عمل انحلال ساواک نیاز به مصوبه نداشت و رسماً منحل شده بود! شورای انقلاب هنگامی که امام در نوفل لوشاتو بودند، تشکیل شد؛ دولت مهندس بازرگان در روز ۶ بهمن، وزرایش را هم چیده بود، حالا ساواک می‌خواست محل بشود یا نشود، قرقی نمی‌کرد چرا که انقلاب به آنجا رسیده بود و باز جوها هم از این مطلع بودند و خیلی از آنها پا خودکشی کردند!

و کلام آخر؟

در انتها هم به توصیه برای جوانان دارم: ۱) تاریخ معاصر و خاطرات مبارزان را مطالعه کنند. ۲) در مقام مقایسه ابعاد مختلف آنچه به این مرز و بوم گذشته، بربیایند. ۳) هیچ گاه انقلاب اسلامی را با عملکرد افراد مقایسه نکنند بلکه افراد و مسئولیت‌های شان را با انقلاب اسلامی و آرمان‌های بسنجند.

این تمرکز امنیتی در کدام جارت تشکیلاتی و بر اساس چه روندی پیش می‌رفت؟

این کمیته مرکب از واحدهای اطلاعاتی و امنیتی ارتش، شهربانی، ژاندارمری و اداره کل سوم ساواک (اداره تأمین امنیت داخلی) بود. نمودار تشکیلاتی کمیته مشترک، شامل سه واحد اطلاعاتی، اجرایی و پشتیبانی با ۳۷۵ پست سازمانی دائم و ۱۸۸ پست موقت بود. افراد این کمیته همان نیروهای رکن ۲ بودند، به انضمام چهره‌هایی تحصیلکرده و صاحب جایگاه اجتماعی. واحد اطلاعاتی از چهار دایره تشکیل می‌شد که یکی از آنها دایره بازجویی بود شامل هشت تیم بازجویی که با روش‌های مختلف به آزار و شکنجه متهمان می‌پرداختند تا از آنها در مورد فعالیت‌ها، سازمان متبوع و همدستان‌شان اطلاعات به دست آورند. پیش از بازجویی، پرونده فرد بازداشت‌شده تهیه و تنظیم می‌شد. از جمله نکات بسیار مهمی که در این کمیته ایجاد شد، بایگانی متمرکز و راکد است که بر مبنای ساختاری با عنوان بررسی گزارشات تعریف شده بود. برای اینکه هر گزارشی حتی کم‌ارزش‌ترین آنها، از نظر افراد این کمیته عبور کند و تصمیمی را در خصوص او اتخاذ کنند. این اسناد بالغ بر حدود ۱۵ میلیون گزارش هستند که این تعداد بسیار جای تأمل دارد!

با این میزان از گزارشات، نحوه و روند بررسی آنها به چه صورت انجام می‌گرفت؟

قالب گزارش‌نویسی اینطور بود که در اسناد و برگه‌های صادره از سوی ساواک به صورت گزارش، اول نظریه می‌آمد، بعد اعلام اطلاعات و جزئیات. در این گزارشات، تمام ارتباطات و مکاتبات با کدها و اعداد خاص انجام می‌شد، به نحوی که اصلاً هیچ سندی را نمی‌بینید که بنویسد ساواک تهران یا مثلاً اداره کل سوم و از این قبیل. همچنین سلسله‌مراتب، نظریات روی این گزارشات را با ایام هفته نامگذاری کرده بودند. نکته قابل توجه این است که این سیستمی نبوده که در ایران سابقه داشته باشد بلکه ناشی از نفوذ سیستم‌های اطلاعاتی و کار کارشناسان موساد، سیا و اینتلیجنت بود. روند بررسی گزارشات هم به این شرح بود:
نظریه شبه: نظریه منبع نفوذی ساواک، یعنی اولین مخبری که این گزارش را تنظیم می‌کرده، نظریه خود را تحت عنوان شبه اعلام می‌کرد.
نظریه یک‌شنبه: نظریه رهبر عملیات (چرا که هر چند مأمور اطلاعاتی، زیر نظر یک رهبر عملیات کار می‌کرد).
نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات (افراد رؤسای دایره عملیات، مستقیماً توسط خود معاونت اداره سوم، یعنی عمدتاً توسط پرویز ثابتی انتخاب می‌شدند).
نظریه سه‌شنبه: نظریه رئیس اداره امنیت داخلی، البته گفتنی است گزارشات طبقه‌بندی می‌شدند، تحت عناوین معمولی، مهم، خیلی مهم، بسیار مهم و بر اساس این تفکیک ارجاع می‌شدند به رئیس معاونت امنیت داخلی.
نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت داخلی منطقه بود که توسط ثابتی تعیین می‌شدند. در حقیقت هیچ گونه انتصاب و انتخابی نبود که ثابتی در آن نظر و دخلی نداشته باشد. قدرت ثابتی در ساواک آنقدر زیاد بود که شاه اخبار ناب و درجه اول را از طریق بولتن‌های تنظیم‌شده توسط ثابتی دریافت می‌کرد، یعنی کسی مثل نعمت‌الله نصیری با همه آن جایگاهی که داشت، یک شخصیت فرمایشی و تشریفاتی محسوب می‌شد!
نظریه جمعه (پنج‌شنبه نداشتند در این سلسله مراتب):
نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه.
نکته قابل توجه دیگر اینکه هر کدام از شعب، نمایندگی‌ها و مقرهای این سازمان در استان‌ها و شهرها به عنوان مبدأ شمار در سال ۱۳۴۹ با هدف گسترش جنگ چریکی از روستا به شهرها و برگرفته از انقلاب چین توسط مائو، جنالشـــن مصحد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان از نهضت آزادی و شکل‌گیری مطالعات دورزمانی که بعدها حوزهی آن مجاهدین خلق شد، زیرمجموعه شدن فعالیت‌های حزب توده و گروه‌های چپ، شکل‌گیری گروه‌های مؤتلفه اسلامی با نظر مستقیم امام خمینی، ساواک، حکومت و حامیان خارجی آن را به این نتیجه می‌رساند که این سازمان در جهت قدرت نفوذ به مهار تحرکات را ندانسته است، لذا پس از بررسی‌های کارشناسانه مهم اطلاعاتی سیا و موساد، اشکال و خلأ را پیدا می‌کنند. تا این زمان (قبل از سال ۱۳۵۰)، شهربانی، ساواک، اداره ضداطلاعات ارتش و سایر مراکز اطلاعاتی رژیم پهلوی، در یک قوای احتمال ترش و کار ۲، وظیفه داشتند و بر عهده داشتند و هر یک به تنهایی اهداف اطلاعاتی و امنیتی خود را دنبال می‌کردند و چون به ارای هر دسنگیری به این مأموران پاداش داده می‌شد، به یک‌بیگر اطلاع نمی‌دادند و به همین دلیل دسیله ارتباطی بین مبارزان هم به طور کامل کشف نمی‌شد. همچنین این اقدامات جداگانه در بسیاری موارد، سبب ایجاد ناهماهنگی و حتی اصطکاک میان سازمان‌ها می‌گشت که علل عمده آن در نتیجه ضریب موفقیت عملکرد این مراکز از کاهش می‌داد. بنا بر آنچه گفته شد، در یکی از پیچیده‌ترین اقدامات در اواخر سال ۱۳۴۹ و اوایل سال ۱۳۵۰، کمیته مشترک ضدخرابکاری را به عنوان ابزاری برای تشدید اختناق سیاسی در کشور، تأسیس کردند. به این ترتیب هم نقاط ضعف ساواک مشخص شد و هم نقاط پیشروی به مرور افزایش پیدا کرد. بر این اساس کمیته، محور و رأس بر خودرد با مخالفان شد و در هر جای ایران، هر مخالفی را می‌گرفتند، باید به کمیته اطلاع می‌دادند و هرگونه سند، مدرک و گزارشی جمع می‌شد. ولو از دورترین نقطه کشور تا پایتخت، باید در اینجا مطلع مرکزی مسلط بر بازجویی‌ها هم بود و از سال ۱۳۵۰ به بعد، مخالفان مهم را برای بازجویی به آن منتقل می‌کردند. کمیته مرکزی مسلط بر بازجویی‌ها هم بود و از سال ۱۳۵۰ به بعد، مخالفان مهم را برای بازجویی به آن منتقل می‌کردند. خشن‌ترین شکنجه‌گران رژیم شاه بود

یکی از مرکزی‌ترین نقاط تهران واقع شده، اما بسیاری از مردم از وجود آن بی‌خبر بودند!

این تمرکز امنیتی در کدام جارت تشکیلاتی و بر اساس چه روندی پیش می‌رفت؟

این کمیته مرکب از واحدهای اطلاعاتی و امنیتی ارتش، شهربانی، ژاندارمری و اداره کل سوم ساواک (اداره تأمین امنیت داخلی) بود. نمودار تشکیلاتی کمیته مشترک، شامل سه واحد اطلاعاتی، اجرایی و پشتیبانی با ۳۷۵ پست سازمانی دائم و ۱۸۸ پست موقت بود. افراد این کمیته همان نیروهای رکن ۲ بودند، به انضمام چهره‌هایی تحصیلکرده و صاحب جایگاه اجتماعی. واحد اطلاعاتی از چهار دایره تشکیل می‌شد که یکی از آنها دایره بازجویی بود شامل هشت تیم بازجویی که با روش‌های مختلف به آزار و شکنجه متهمان می‌پرداختند تا از آنها در مورد فعالیت‌ها، سازمان متبوع و همدستان‌شان اطلاعات به دست آورند. پیش از بازجویی، پرونده فرد بازداشت‌شده تهیه و تنظیم می‌شد. از جمله نکات بسیار مهمی که در این کمیته ایجاد شد، بایگانی متمرکز و راکد است که بر مبنای ساختاری با عنوان بررسی گزارشات تعریف شده بود. برای اینکه هر گزارشی حتی کم‌ارزش‌ترین آنها، از نظر افراد این کمیته عبور کند و تصمیمی را در خصوص او اتخاذ کنند. این اسناد بالغ بر حدود ۱۵ میلیون گزارش هستند که این تعداد بسیار جای تأمل دارد!

با این میزان از گزارشات، نحوه و روند بررسی آنها به چه صورت انجام می‌گرفت؟

قالب گزارش‌نویسی اینطور بود که در اسناد و برگه‌های صادره از سوی ساواک به صورت گزارش، اول نظریه می‌آمد، بعد اعلام اطلاعات و جزئیات. در این گزارشات، تمام ارتباطات و مکاتبات با کدها و اعداد خاص انجام می‌شد، به نحوی که اصلاً هیچ سندی را نمی‌بینید که بنویسد ساواک تهران یا مثلاً اداره کل سوم و از این قبیل. همچنین سلسله‌مراتب، نظریات روی این گزارشات را با ایام هفته نامگذاری کرده بودند. نکته قابل توجه این است که این سیستمی نبوده که در ایران سابقه داشته باشد بلکه ناشی از نفوذ سیستم‌های اطلاعاتی و کار کارشناسان موساد، سیا و اینتلیجنت بود. روند بررسی گزارشات هم به این شرح بود:
نظریه شبه: نظریه منبع نفوذی ساواک، یعنی اولین مخبری که این گزارش را تنظیم می‌کرده، نظریه خود را تحت عنوان شبه اعلام می‌کرد.
نظریه یک‌شنبه: نظریه رهبر عملیات (چرا که هر چند مأمور اطلاعاتی، زیر نظر یک رهبر عملیات کار می‌کرد).
نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات (افراد رؤسای دایره عملیات، مستقیماً توسط خود معاونت اداره سوم، یعنی عمدتاً توسط پرویز ثابتی انتخاب می‌شدند).
نظریه سه‌شنبه: نظریه رئیس اداره امنیت داخلی، البته گفتنی است گزارشات طبقه‌بندی می‌شدند، تحت عناوین معمولی، مهم، خیلی مهم، بسیار مهم و بر اساس این تفکیک ارجاع می‌شدند به رئیس معاونت امنیت داخلی.
نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت داخلی منطقه بود که توسط ثابتی تعیین می‌شدند. در حقیقت هیچ گونه انتصاب و انتخابی نبود که ثابتی در آن نظر و دخلی نداشته باشد. قدرت ثابتی در ساواک آنقدر زیاد بود که شاه اخبار ناب و درجه اول را از طریق بولتن‌های تنظیم‌شده توسط ثابتی دریافت می‌کرد، یعنی کسی مثل نعمت‌الله نصیری با همه آن جایگاهی که داشت، یک شخصیت فرمایشی و تشریفاتی محسوب می‌شد!
نظریه جمعه (پنج‌شنبه نداشتند در این سلسله مراتب):
نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه.
نکته قابل توجه دیگر اینکه هر کدام از شعب، نمایندگی‌ها و مقرهای این سازمان در استان‌ها و شهرها به عنوان مبدأ شمار در سال ۱۳۴۹ با هدف گسترش جنگ چریکی از روستا به شهرها و برگرفته از انقلاب چین توسط مائو، جنالشـــن مصحد حنیف‌نژاد، سعید محسن و علی‌اصغر بدیع‌زادگان از نهضت آزادی و شکل‌گیری مطالعات دورزمانی که بعدها حوزهی آن مجاهدین خلق شد، زیرمجموعه شدن فعالیت‌های حزب توده و گروه‌های چپ، شکل‌گیری گروه‌های مؤتلفه اسلامی با نظر مستقیم امام خمینی، ساواک، حکومت و حامیان خارجی آن را به این نتیجه می‌رساند که این سازمان در جهت قدرت نفوذ به مهار تحرکات